

تأثیر جنگ تحمیلی بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین مطالعه موردی: منطقه ملاشیه اهواز

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۱/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۹/۰۶

علی موحد* (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران)
حسین کرملاجعب (کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز)
عباس محمدی (کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز)

چکیده

حاشیه‌نشینی یکی از پدیده‌های جغرافیایی شهرهای بزرگ و متوسط ایران است و جنگ تحمیلی بر این پدیده بی‌تأثیر نبوده است. هدف این مقاله شناسایی و درک صحیح از نحوه تأثیرگذاری پدیده جنگ در تحرکات جمعیتی در زمان وقوع جنگ و بعد از خاتمه آن در گرایش به مهاجرت در شهر اهواز و رشد مناطق حاشیه‌ای است. تمرکز جمعیتی و به خصوص اسکان مهاجرین در این شهر در سال‌های اخیر باعث بروز مشکلات متعددی شده است. در این مقاله سعی شده به ریشه‌یابی علت حاشیه‌نشینی در یکی از نقاط حاشیه شهر اهواز با نام روستای ملاشیه پرداخته شود. این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی بوده و با گردآوری داده‌های پرسشنامه‌ای و کتابخانه‌ای و استفاده از نرم‌افزار GIS و SPSS به سنجش فرضیه و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده رشد منطقه‌ی مورد مطالعه به سه دوره‌ی زمانی تقسیم می‌شود. دو مرحله از آن که بیش‌ترین رشد مربوط به آنهاست اختصاص به جنگ و تأثیراتی که این پدیده بر ساکنان مناطق جنگ‌زده داشته، دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عامل جنگ در شکل‌گیری و گسترش روستای ملاشیه نقش بارزی داشته است.

واژه‌های کلیدی:

جنگ، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، ملاشیه، اهواز

* نویسنده رابط: Movahed@khu.ac.ir

۱- مقدمه

یکی از وقایع عمده‌ای که هم‌زمان با تجدد و تحول جمعیتی اتفاق می‌افتد، رشد شهرنشینی و سهم عمده‌ی جمعیتی است که در شهرها اسکان یافته‌اند؛ این گسترش از سال ۱۸۰۰ میلادی به بعد از جوامع غربی و به تدریج از نیمه‌ی قرن بیستم با سرعتی هرچه بیش تر در کشورهای جهان سوم آغاز شد. (شیخی: ۴۴، ۱۳۶۹) مهاجرت امروزه برای کشورهای جهان سوم، به ویژه در بعد روستا به شهر مسأله آفرین و مشکل زا شده است. در واقع مهاجرتی که خود در اثر بسیاری از عوامل به وجود می‌آید؛ علتی می‌شود تا به عدم تعادل بیش تر در سطح مسائل اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی یک کشور کمک کند. کشورهای جهان سوم قادر به ایجاد تعادل اشتغال و افزایش عرصه‌ی کار و تقاضای روزافزون نیروی انسانی خواهان کار نیستند. جمعیتی که از مناطق روستایی به مناطق شهری سرازیر می‌شود، در حقیقت به گسیختگی در هر دو منطقه جذب و دفع نیروی مهاجرت دامن می‌زند. خالی شدن مناطق مهاجر فرست از نیروی کار و تمرکز نامتناسب آن‌ها در شهرها از مهم ترین مسائل به وجود آمده توسط مهاجرت‌های بی‌رویه است. (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۴، ۹۸) از دهه ۱۳۴۰ شهرنشینی در کشور روند افزایشی بالایی را به خود گرفته که با نام شهرنشینی سریع از آن یاد کنند و تا اکنون نیز به این روند خود ادامه دهد، در این میانه مهم ترین عامل افزایش جمعیتی شهرنشینی مهاجرت بوده است، به نحوی که از ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۶۵ مهاجرت همیشه از ۵۰٪ رشد جمعیتی شهرها بالاتر بوده است. (زنجانی: ۱۳۸۰، ۹۹) از جمله مهم ترین پیامدهای شهرنشینی شتابان و بی‌برنامه افزایش سکونتگاه‌های ناسالم، تراکم و بالا رفتن برخوردهای اجتماعی است، بیش تر حاشیه‌نشین‌ها کوچندگان روستایی هستند که نه تنها از لحاظ اقتصادی لایه‌های پایین جامعه را تشکیل می‌دهند، بلکه در میان آنان بزه‌کاری و به ویژه اعتیاد، افزایش چشمگیری دارد. (سیف‌الدینی، ۱۳۷۸: ۷۶) علت اصلی حاشیه‌نشینی، کنار گذاشتن (تقریباً) اجباری بخشی از جامعه در روند توسعه است. عدم تعادل‌های منطقه‌ای پوشش بخش اقتصادی، باعث ایجاد سیل مهاجرت جمعیت به سوی شهرهای بزرگ می‌گردد. (موحد: ۱۵، ۱۳۸۸) مهاجرت‌ها و به تبع آن توسعه حاشیه‌نشینی در شهر اهواز با توجه به ابعاد وسیع آن دارای علل و پیامدهای تأثیرگذاری در نحوه توسعه شهر داشته است. در این مقاله به یکی از عوامل ایجاد حاشیه‌نشینی در کلان شهر اهواز (جنگ تحمیلی) پرداخته می‌شود و سعی بر این است که به تحلیلی علمی از میزان تأثیرگذاری این عامل در حیطه زمانی فراتر از ۸ سال که ظرف زمانی جنگ بوده است، پرداخته شود. سوالی که این تحقیق در پی

یافتن پاسخ آن است، این نکته است که آیا پدیده‌ی جنگ فقط در برهه‌ی زمانی خود عاملی برای مهاجرت بوده است، یا این که توانسته به صورت عاملی تأثیرگذار در رشد جریانات مهاجرتی ایفای نقش کرده و سیر این مهاجرت‌ها را به سوی کلان شهر اهواز متمرکزتر کرده و به آن شدت بخشد.

۲- پیشینه تحقیق

قرخلو و شریفی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای تحت عنوان پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی (نمونه موردی: محله‌ی عین ۲ اهواز) به این نتیجه رسیده‌اند که اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر رشد اقتصادی دهه‌های ۶۰-۱۹۵۰ در ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی، اثرات مستقیم و تأثیرگذاری بر روند پیدایش و توسعه‌ی حاشیه‌نشینی در اهواز نهاده است. از سوی دیگر، اثرات شکل‌گیری هسته (هسته‌های) اولیه بر الگوی گسترش بعدی مشخص گردید. در بررسی نحوه‌ی استفاده از اراضی نیز کلیه کاربری‌ها کمبود محسوسی را نسبت به شاخص‌های استاندارد نشان داده‌اند.

نقدی و صادقی (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان) انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بخش عمده اسکان غیر رسمی شهر همدان ناشی از مهاجرت‌های روستا - شهری است. حاشیه‌نشینان از شهر و محله زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند. بهبود زیرساخت‌های فیزیکی شهر یا محله مهم‌ترین اولویت آنان برای بهبود وضعیتشان محسوب می‌گردد.

ربانی و دیگران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل موثر در شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی در شهر اهواز به این نتیجه رسیده‌اند که مهاجرت از محیط‌های کوچک روستایی و شهری اطراف به شهر اهواز، مهم‌ترین عامل ایجاد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد که خود تحت تأثیر دافعه‌های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی و جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی شهر بوده است. همچنین در بحث پیامدهای اجتماعی مشخص شد که بین شدت حاشیه‌نشینی و افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد که در نهایت باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه حاشیه‌نشین شده است.

صابری فر (۱۳۸۸) در مقاله با عنوان بررسی تحلیلی حاشیه نشینی در شهر بیرجند: مطالعه موردی منطقه کارگران به این نتیجه می‌رسد که مهاجرت‌های روستا-شهری، ضعف توان مالی ساکنان ناحیه به همراه ناتوانی مسؤولان در ساماندهی این وضعیت، باعث پیدایش شکل‌گیری حاشیه مورد بررسی و بروز ناهنجاری‌های متعدد شده است؛ به طوری که بسیاری از این خانواده‌ها از فقر و محرومیت رنج می‌برند. اغلب آن‌ها فاقد امکانات بهداشتی، تفریحی و... هستند. در واقع، حاشیه مورد نظر سبب نا امن شدن شهر بیرجند شده است و اگر این معضل ساماندهی نگردد، بحران‌های غیر قابل حلی را باعث خواهد شد.

شاطریان و اشنویی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه نشینی در شهر کاشان، نمونه‌ی موردی: محله‌ی غربت‌ها و پمپ رعیتی به این نتیجه رسیده‌اند که میان عوامل جاذبه شهر کاشان و عوامل دافعه محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه وجود دارد.

زنگی آبادی و مبارکی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن مطالعه موردی (محلات احمد آباد، کوی بهشتی، خلیل آباد) انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است؛ از دلایل بسیار مهم حاشیه نشینی در شهر تبریز می‌توان به بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستاهای استان اشاره کرد، که ناشی از عوامل اقتصادی و دافعه‌های اجتماعی - فرهنگی در محل سکونت قبلی بوده است و این امر موجب بروز انواع ناهنجاری‌های شهری شده است.

ابراهیم‌زاده و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان نقش مهاجرت‌های روستایی در اسکان غیررسمی، نشان می‌دهد موضوع مهاجرت‌های شهر اهواز به عنوان یکی از مباحث مهم جمعیتی مطرح است و در واقع سرنوشت آینده شهر به نوع روند مهاجرت‌ها بستگی دارد. توسعه بی‌رویه‌ی شهر اهواز با مهاجرت‌های وارد به آن مرتبط است و این مهاجرت‌ها نیز با استقرار صنایع سنگین در این شهر ارتباط می‌یابد.

پارسا پژوه (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی مطالعه موردی: اسلام آباد کرج به این نتیجه می‌رسد که ساکنان این محله افراد توانمند هستند که توانسته‌اند با گذر زمان، با کم‌ترین امکانات، به گونه‌ای خردمندانه، بهترین سازگاری را در شکلی کاملاً هنجاری با شرایط فقر و محرومیت ایجاد کنند.

۳- مبانی نظری

اگرچه به نظر می‌آید مهاجرت عامل اصلی شکل‌دهی و رشد مناطق حاشیه‌نشینی در شهرهاست، ولی واقعیت این است که بخشی از حاشیه‌نشینان ساکنین همیشگی شهر می‌باشند که به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر متعارف، غیر استاندارد و غیر رسمی زندگی می‌کنند؛ واحدهایی که بعضاً از حداقل امکانات و ملزومات بهداشتی و رفاهی محروم می‌باشند.

حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در شهر سکونت دارند ولی به علل و عواملی نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر شوند و از خدمات شهری بهره‌مند گردند. (عابدینی در کوش، ۱۳۶۴: ۱۳۷)

"جارلز آبرامز" از حاشیه‌نشینی تصویری ارائه می‌دهد که حاشیه‌نشینی، ساختمان و یا بخشی از شهر است که در آن ویرانی، نارسایی عرصه خدمات درمانی، تراکم جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوارض طبیعی دیده می‌شود. (شکویی، ۱۳۶۴: ۴۱)

وجود حاشیه‌نشینی در شهرها، به ویژه کلان‌شهرها، از موانع ایفای نقش کلیدی شهرها در توسعه ملی و پیشتازی آنها در استفاده از فرصت‌های برآمده از جهانی شدن اقتصاد است. (جوان و سیدی: ۱۳۸۴، ۵۶) جامعه‌شناسان در تعریف از حاشیه‌نشینی، چنین می‌گویند: معمولاً حاشیه‌نشینی متشکل از کسانی هستند که در شهرها زندگی می‌کنند اما به عنوان یک شهروند از امکانات و خدمات شهری بهره‌نمی‌برند. این افراد با وجودی که در دل یا حاشیه شهرها جای دارند، فرهنگ روستایی خود را همچنان حفظ کرده، ولی درعین‌حال خود را شهری می‌دانند. (ربانی: ۱۳۸۸، ۹۷) گروه‌های اجتماعی ناامید از برنامه‌ریزی کالبدی رسمی که معیارها و ضوابط آرمانیان حق شهروندی را از آنان سلب می‌کند، به پهنه‌هایی از منطقه‌ی شهری روی می‌آورند که فاقد ضوابط پایدار و همه‌جانبه است و معمولاً بیرون حریم شهرها قرار دارد و دران جا با اقامت در مسکن غیررسمی که معمولاً به صورت غیرقانونی ساخته شده است حاشیه‌نشین نام می‌گیرند. (ابراهیم‌زاده و دیگران: ۱۳۸۳، ۱۲۴) بدین ترتیب، حاشیه‌نشینی کسانی هستند که به دلائلی به درستی جذب نظام اجتماعی- اقتصادی شهر نشده‌اند و در محدوده‌های خارجی و حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. علاوه بر این، از آنجا که محل سکونت حاشیه‌نشینان اغلب خارج از عرصه‌های حقوقی - قانونی شهرها قرار دارد، کم‌تر از برنامه‌های حمایتی رسمی برخوردارند. (کارگر، ۱۳۸۶، ۱۴۱) اکثر حاشیه‌نشینان، مهاجران روستایی هستند

که با کوله باری از فقر و محنت و به قصد دست‌یابی به زندگی بهتر، جذب زندگی شهری شده‌اند و تخصص آن‌ها که بیش‌تر در زمینه‌ی کشاورزی سنتی بوده، اینک در مشاغل سیاه و کاذب و فعالیت‌های ساختمانی، رفتگری، کارگری ساده و به عبارتی در بخش‌های غیرمولد به کار افتاده است (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵، ۲۲۱). به طور کلی آنچه از تعاریف گوناگون بر می‌آید این است که حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه، غالباً از مهاجرین تشکیل می‌شود که بنا به علل مختلف، شهرهای بزرگ را هدف قرار داده‌اند، ولی به دلیل پایین بودن سطح مهارت‌های فنی و فقدان سرمایه کافی قدرت ورود به متن اصلی شهر را نداشته و ناگزیر به پذیرش زندگی حاشیه‌ای شده‌اند. (ربانی و دیگران: ۱۳۸۵، ۹۳) حاشیه‌نشینی یکی از مسایل مهم شهرنشینی در کشورهای جهان می‌باشد. اما این معضل در کشورهای توسعه نیافته مانند ایران، روز به روز در حال گسترش می‌باشد. اگر چه این پدیده در کشورهای جهان به طور بسیار متفاوتی از یکدیگر نمود پیدا کرده است. ولی ویژگی مشترک و مشخصه‌ی ساکنان این مناطق، اغلب افراد مهاجر کم درآمد و فقیری می‌باشد که آنان فقر روستایی خود را به شهر آورده و با پس زده شدن از محیط شهر به تدریج در حاشیه‌ی شهر و سکونتگاه‌های نامتعارف آن کشاند شده‌اند. (ربانی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۲۰) طبق آمار موجود در کشورهای در حال توسعه ۵۰ درصد جمعیت شهری در آلونک‌ها و مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند که در بعضی از شهرها این نسبت‌ها ۸۰ درصد افزایش می‌یابد. (شکویی: ۱۳۸۰، ۴۵۲) مشخصه‌های کلی این شیوه سکونت در ایران عبارت‌اند از: ساخت و ساز خودروی و غیرقانونی، عدم رعایت اصول فنی و استانداردها، بهره‌مندی ناچیز از خدمات، سطح نازل کاربری‌های مورد نیاز، وجود گروه‌های کم درآمد، اشتغال غیررسمی و بیکاری گسترده، نبود سنخیت با بقیه شهر و نبود نظارت بر آن‌ها. (رهنما و توانگر، ۱۳۸۷، ۸۸) در کشورهای در حال توسعه‌ی مهاجرت روستاییان به جوامع شهری، در حقیقت انتقال فقر روستاها به شهرها است. این توده‌های انبوه انسانی در مرحله تحول از زندگی روستایی به شهری قرار می‌گیرند، برای تطبیق و تثبیت وضع موجود خویش از نظر اقتصادی و اجتماعی ناگزیرند در حاشیه شهرها زندگی کنند. (ستوده، ۱۳۸۳، ۶۴) تا زمانی که مهاجرت از روستا به شهر ادامه یابد، مسأله‌ی حاشیه‌نشینی هم وجود خواهد داشت شهرهای کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته در ارتباط با گسترش وسیع مناطق پرجمعیت و پست شهر و حاشیه‌ای، اغلب با نرخ بالای مهاجرت، مشخص و توصیف می‌شوند. شماری از مشاهدات حاکی از آن است که مهاجرانی که از روستا به شهر می‌آیند، در بدو ورودشان به شهر مستعد مسکن‌گزینی به گونه‌ای بی‌تناسب و غیرمتجانس در

مناطق کم درآمد هستند. (کاستللو، 1987:427) مهاجرت و فقر پیوندی دو سویه و تنگاتنگ دارند. فقر ممکن است باعث مهاجرت شود و مهاجرت نیز می‌تواند موجب تشدید یا کاهش فقر در هر کدام از کشورهای مبدأ یا مقصد گردد. فقر مطلق اغلب به دلیل جنگ یا بلایای طبیعی می‌تواند مردم را مجبور به جابه‌جایی کند. اما در اکثر موارد نه فقر مطلق بلکه احساس فقر است که موجب مهاجرت می‌شود. (علاءالدینی و امامی، ۱۳۸۴:۲) بدین ترتیب چنین است که تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر عملکرد دو متغیر اصلی دفع و جذب است که عبارت‌اند از:

الف- تفاوت فاحش در آمد شهر و روستا

ب- احتمال دستیابی به نوعی اشتغال در شهر.

تودارو می‌گوید: صحیح خواهد بود اگر فرض کنیم که در برابر امکان انتخاب بیکاری در شهر و روستا، یک روستایی بیکار، شهر را برگزیند، چرا که آینده شهر چشم‌انداز روشن‌تری نسبت به روستا تصویر می‌کند. (حسین زاده دلیر: ۱۳۷۰، ۱۲۸)

۳-۱- دیدگاه‌های عمده در مورد علل حاشیه‌نشینی

الف- دیدگاه اکولوژیک

برخی از پژوهشگران به مسأله‌ی حاشیه‌نشینی از دیدگاه اکولوژی شهری نگریسته‌اند و تلاش کرده‌اند تا با توجه به بافت فیزیکی شهر به مکاتیزم پیدایش حاشیه‌نشینی بپردازند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰: ۱۳). این دیدگاه بر پایه مکتب شیکاگو شهر را محل تنازع بقا و جلوگیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کنند.

این اندیشمندان، مهم‌ترین عاملی را که در رابطه با شکل‌گیری حاشیه‌نشینی مدنظر قرار می‌دهند، مهاجرت از محیط‌های کوچک شهری و روستایی و ایجاد مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد. آن‌ها بیان می‌دارند که با توجه به این که سرعت تحرک مکانی جمعیت بیش‌تر شده و میزان مهاجرت فزونی یافته، بحث از مهاجرت به مثابه پدیده اجتماعی نادرست می‌نماید و صحیح‌تر است که از آن تحت عنوان مسأله اجتماعی گفتگو شود (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۱).

پارک با اشاره به برخوردهای فرهنگی و نژادی ناشی از مهاجرت، این پدیده را یکی از علل تحقق حاشیه‌نشینی قلمداد می‌کند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۴). در واقع پارک (۱۹۶۷) مهاجرت و حاشیه‌نشینی را از دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی که پیامد استیلای صنعت، سطوح بالای تحرک اجتماعی و تراکم بالای جمعیت است، مورد توجه قرار داده و بر این باور است که چنین تغییراتی در درون کلان‌شهرها ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه

می‌دهند. در واقع با تحقق یافتن مهاجرت به دلایل مختلف و ورود خانواده‌های مهاجر به حاشیه شهرها، مهاجران اولین تجربه‌های حضور خود در مبدأ را با تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و محیطی جستجو خواهند کرد (فیندلی، ۱۳۷۲: ۸۲). با مهاجرت به مناطق حاشیه‌ای شهر نه تنها محل زندگی افراد تغییر می‌یابد، بلکه وضعیت آن‌ها، انسان و جامعه نیز دچار دگرگونی می‌شود (خباز بهشتی، ۱۳۸۰: ۴۵).

ب- دیدگاه‌های لیبرالیستی

این دیدگاه‌ها عمدتاً خاص کشورهایی که با نظام اقتصاد آزاد اداره می‌شوند، به ویژه ایالات متحده آمریکا، می‌باشد. این دیدگاه‌ها تحت تأثیر فلسفه‌ی پوزیتویسم قرار دارند و از بررسی سطحی علل و عوامل مختلف تجاوز نمی‌کنند. این امر شاید ناشی از تعهدی باشد که علم (به مفهوم جدید آن) نسبت به نظام سرمایه داری و طبقات حاکم و حاکمیت کشورهای کانونی برعهده گرفته است. بسیاری از محققان لیبرالیست، که از معتقدان و مبلغان مکتب کارکردگرایی می‌باشند، علت عمده‌ی حاشیه‌نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی به شمار می‌آورند. به نظر آن‌ها افزایش جمعیت یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد نیروی کار روستایی فراهم می‌آورد. «عدم دسترسی مهاجرین به مشاغل اقتصادی شهری، همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص آن‌ها موجب می‌شود که آن‌ها مجبور شوند آلونک‌ها و زاغه‌هایی را که در اغلب موارد، فاقد هرگونه تسهیلات شهری، از قبیل آب و برق و تلفن است، برای زندگی برگزینند (عابدین درکوش: ۱۲۲).

برخی دیگر از کارکردگرایان به عوامل دیگری، غیر از افزایش جمعیت تأکید نموده‌اند، به عنوان مثال هوم هویت (Home Hoyt) عوامل فیزیکی، مانند زمین‌های رها شده و اراضی نامناسب شهری، و آبرامز (Abrams)، بالابودن قیمت زمین و مسکن و برخی دیگر، عوامل اقلیمی را زمینه ساز هجوم مهاجران به مناطق خاصی از شهرها و ایجاد حاشیه نشینی و زاغه نشینی می‌دانند. (شکوئی: ۱۹)

ج- دیدگاه ساختارگرایان

رادیکالیست‌ها، که عمدتاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی به مسائل می‌نگرند، اگر چه در قبول این اصل، که حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، نتیجه‌ی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌باشد، با لیبرالیست‌ها هم عقیده هستند، لیکن برخلاف

لیبرالیست‌ها، این مهاجرت‌ها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی‌دانند، بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را، که ناشی از ادغام کشورهای مزبور در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می‌دانند. تحلیل‌گران اقتصاد سیاسی معتقدند: «هنگامی که مناطق دارای اقتصاد معیشتی به جرگه‌ی بازار وارد می‌شوند... تولیدات بومی... جای خود را غالباً به یکی دو محصول عمده خواهند داد و... جمعیت زیادی به علت دگرگونی ساخت‌های تولیدی، به صورت نیروی کار آزاد شده درآمده، موج‌های عظیم مهاجرتی را موجب می‌شوند. (پل سینجر: ۹۲).

یکی دیگر از عواملی که به عقیده‌ی رادیکالیست‌ها، زمینه‌ی حاشیه‌نشینی را فراهم می‌آورد، اقتباس کشورهای در حال توسعه از الگوهای توسعه‌ی کشورهای سرمایه‌داری صنعتی می‌باشد. این تحلیل‌گران معتقدند چنین الگوهایی به دلیل آن که صنعت محور هستند، ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه را درهم می‌ریزد. یکی از نتایج منطقی چنین الگوهایی (مانند: الگوی توسعه‌ی خطی روستو و راهبرد قطبی رشد)، که توسط مکتب نوسازی (Modernization) تبلیغ و ترویج می‌شود، افزایش جمعیت شهری و ایجاد شهرهای مسلط با جاذبه‌های شغلی و خدماتی، آن هم در شرایطی است که به دلیل برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی، بخش کشاورزی تحت‌الشعاع صنعت مونتاژ و فعالیت‌های بخش خدمات قرار گرفته و مازاد نیروی کار روستایی را ناگزیر از مهاجرت به شهرهای بزرگ می‌نماید.

دیدگاه نوسازی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده است (ازکیا، ص ۸۷). یکی از عوامل مهم برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی و رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. به موجب این دیدگاه «پیوندی تنگاتنگ» بین شهری شدن و توسعه وجود دارد، به گونه‌ای که توسعه یافتگی را مترادف با شهری شدن در نظر می‌گیرند

به طور کلی می‌توان گفت تحلیل‌گران اقتصاد سیاسی، با اعلام این شعار که: ساختار درونی کشورهای جهان سوم بخشی از نظام جهانی تولید و مصرف است، سعی می‌کنند نقش عوامل ساختاری در مشکلات شهری و از جمله حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی را تبیین نمایند.

۴- روش بررسی

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها میدانی و از لحاظ نحوه پردازش اطلاعات و روش تحقیق از نوع تحقیقات

توصیفی - تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق نیز روش مطالعه کتابخانه‌ای، استفاده از منابع الکترونیکی و انجام مطالعات میدانی در منطقه مورد مطالعه به کار گرفته شد. و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزارهای SPSS, GIS استفاده گردید. محدوده‌ی مطالعه شده در این تحقیق روستای ملاشیه در محدوده شهرستان اهواز است و جامعه آماری این تحقیق را خانوارهای ساکن این روستا که بالغ بر ۴۰۱۲ خانوار هستند، را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه هم با استفاده از ضریب کوکران^۱ تعداد ۳۵۰ نفر برآورد گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی افراد نمونه انتخاب شدند.

۵- معرفی و شناخت محدوده مورد مطالعه

روستای ملاشیه در قبل از انقلاب روستایی کوچک با جمعیتی محدود بوده است. این روستا به دلیل واقع شدن در منطقه کاملاً صنعتی رشد خود را در قبل از انقلاب شروع کرد؛ اما روستا در بعد از وقوع جنگ پذیرای مهاجرین گریزان از جنگ شد. با گسترش روستا و اتصال آن به شهر اهواز، امروز این روستا به عنوان بخشی از منطقه شش شهرداری اهواز شناخته می‌شود. این روستا دارای بافتی کاملاً ارگانیک و خودرو است که منشأ آن هسته‌های اولیه روستایی است. ملاشیه بعد از جنگ و طی طولانی شدن روند بازسازی‌ها و نیز عدم سرمایه‌گذاری در شهرهای جنگ‌زده، همچنان به رشد خود ادامه داد؛ به طوری که امروزه یکی از بزرگ‌ترین روستاهای استان و یا به عبارتی روستایی است که خارج از مقیاس‌های متعارف برای روستا بودن است. وسعت کلی منطقه‌ای که ملاشیه در آن واقع شده است در حدود ۶۸۷۱۵۶۱ مترمربع مساحت دارد. از این محدوده ۸۲۱۶۶۴ مترمربع آن مربوط به کاربری‌های مسکونی است. بیش‌ترین فضای اشغال‌شده مربوط به کاربری‌های صنعتی و کشاورزی پیرامون روستا است و محور رشد این روستا در امتداد اتوبان و جاده اصلی اهواز- خرمشهر است.

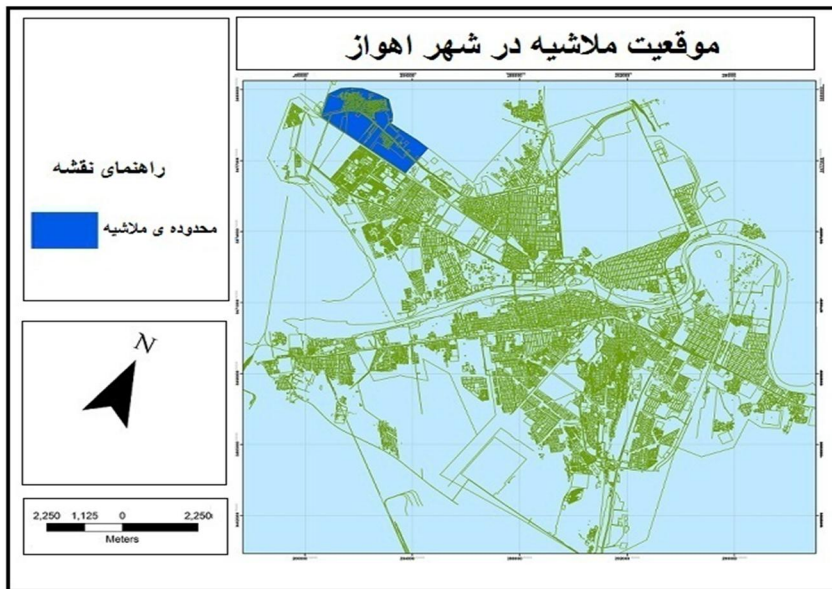
جدول شماره ۲: سیر تحول جمعیتی ملاشیه در طول دوره‌های سرشماری ۸۵-۱۳۴۵

نام روستا	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
ملاشیه	۳۴۵	۲۷۶۰	۹۳۵۴	۱۷۷۸۵	۲۵۳۶۰

مأخذ: نگارندگان

^۱ - فرمول کوکران

$$n = \frac{Nt^2pq}{(N-1)d^2 + t^2pq}$$



نقشه شماره ۱: موقعیت روستای ملاشیه در شهر اهواز منبع: مرکز آمار ایران مأخذ: نگارندگان

۶- نتایج و بحث

شهر اهواز تا قبل از دهه ۱۳۴۰ مجموعه نیمه ارگانیکی با یک هسته مرکزی در سمت شرقی رودخانه کارون (به عنوان ستون فقرات) و تعدادی تأسیسات نظامی و ایستگاه راه‌آهن و مساکن وابسته به آن بود. در واقع بخش اصلی شهر هنوز پوسته تاریخی خود را باز نکرده بود و در حصار قدیمی خود به حیات خویش ادامه می‌داد. به علاوه تا آن زمان اهواز در شبکه‌ی شهری استان به عنوان یک شهر همکار با سایر شهرهای استان همکاری می‌کرد. (قراخو و شریفی: ۱۳۸۳، ۴) زمان وقوع جریان‌های مهاجرت در کلان شهرهای ایران به طور عام و در اهواز به صورت خاص در یک برهه زمانی اتفاق افتاده و ریشه‌یابی این جریانات دلایل مشترکی را بازگو می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها بحث اکتشاف نفت و پیدایش شهرهای نفتی، اصلاحات ارضی، وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی است. اما آنچه که باعث می‌شود که معضل حاشیه‌نشینی در شهر اهواز خود را بیش از پیش نمایان کند به طور که قریب ۴۰٪ از کل مساحت شهر را شامل شود در متن وقایع قرار گرفتن شهر اهواز است. پیدایش نفت، اصلاحات ارضی و رویکرد

دولت آن زمان به کشاورزی صنعتی و در نهایت جنگ تحمیلی در این جغرافیا اتفاق افتاده است.

با وقوع جنگ تحمیلی و ورود مهاجرین به شهر اهواز و حومه‌ی آن با توجه به امنیت نسبی و نیز نزدیکی آن به شهرها و مناطق جنگ‌زده، تقاضا برای مسکن افزایش پیدا کرد. با توجه به این که مهاجرت افراد به دلیل وقوع جنگ از نوع مهاجرت همراه با فقر مطلق بوده است. نداشتن سرمایه و ابزار معیشت این افراد مجبور به پناه بردن به نقاط حاشیه‌ای شهر کرد. این نقاط با سرعت بالایی توانست سکونتگاه‌های حاشیه‌ای را در شهر اهواز ایجاد و گسترش بخشد.

شهر اهواز به دلیل مرکزیت استان و دارا بودن مراکز آموزش عالی، خدمات درمانی تخصصی، نیروگاه‌ها و مراکز صنعتی و تجاری پذیرای مهاجرین تازه‌وارد شده از سایر شهرها و آبادی‌های استان و خارج از استان بوده است؛ به طوری که ۱۴ درصد جمعیت این شهر را در سال ۱۳۷۵ مهاجرین واردشده در طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ تشکیل داده‌اند و جذب مهاجرین روستایی و شهرهای کوچک باعث ایجاد فشار بر امکانات موجود و گسترش مسائل شهری به خصوص حاشیه‌نشینی می‌شود (جهاد دانشگاهی خوزستان، ۱۳۸۰، ۸). این آمار در سال ۸۵-۱۳۷۵ رقم ۱۳ درصد را نشان می‌دهد که روایتگر حفظ رشد جریان مهاجرپذیری این شهر را دارد.

وقوع پدیده حاشیه‌نشینی در خارج از مرزهای اداری شهر اهواز و نداشتن متولی خاص برای مدیریت این محدوده‌ها از دلایل عمده‌ای که باعث شده است فرایند حاشیه‌نشینی هنوز در این شهر به رشد خود ادامه دهد.

همان‌گونه که در مقدمه بحث مطرح شد منطقه مذکور تا قبل از انقلاب زمین‌های کشاورزی بوده است. با وقوع انقلاب و مطرح‌شدن بحث "زمین شهری" زمین‌های اطراف منطقه مورد ساخت‌وساز قرار گرفت؛ لکن در خود محدوده مورد نظر اتفاق خاصی نیفتاد.

با وقوع جنگ تحمیلی تصرفات ارضی فراوانی که در ابتدای جنگ در مناطق مرزی استان خوزستان اتفاق افتاد و نیز آسیب‌پذیری بالایی که این مناطق داشتند بسیاری از روستاها و شهرهای مرزی تخلیه شدند و به تبع آن نخستین مکانی که مورد توجه مهاجرین قرار گرفت شهر اهواز به دلیل نزدیکی و امنیت نسبی بالاتر، بود.

مناطق جنوب و غرب اهواز به صورت مدخلی برای این افراد بودند و بیش تری مهاجرین در این دو محدوده ساکن شدند از دلایل عمده‌ای که مهاجرین را به سکونت در این دو محدوده ترغیب کردند عبارت‌اند از:

- ارزانی زمین‌های این نواحی به دلیل کاربری غالباً کشاورزی یا صنعتی
- نامعلوم بودن وضعیت مالکیت زمین‌ها
- عدم نظارت از سوی ارگان‌های و دستگاه‌های مدیریتی
- داشتن روابط فامیلی و قومی با ساکنین اولیه

منطقه ملاشیه همان‌گونه که داده‌های این تحقیق نشان می‌دهند متشکل از یک ناحیه پرتراکم، اغلب مهاجر و از لحاظ مادی از فقیرترین اقشار می‌باشند و جمعیتی حدود ۲۵۳۶۰ نفر است که اکثریت آن‌ها را مهاجرین سه دهه اخیر تشکیل می‌دهند.

ساکنین اولیه این روستا بیش تر به کار کشاورزی و بعضاً با در نظر گرفتن شرکت‌های صنعتی که اولین مراکز صنعتی اهواز می‌باشند به کارگری در این مراکز مشغول بودند. لکن پایگاه پایین اجتماعی - اقتصادی ساکنین امروزی این منطقه با در نظر داشتن مهاجر بودن آن‌ها و نحوه مهاجرت آن‌ها که با فقر مطلق همراه بوده است، فقری که اغلب به وسیله‌ی جنگ یا بلایای طبیعی افراد را مجبور به مهاجرت می‌کند. (علالدینی و امامی، ۱۳۸۴، ۲) و این که قریب ۸۰ درصد آن‌ها ریشه روستایی دارند و بدون هیچ‌گونه برخوردی با جامعه شهری و تنها طی یک حادثه (جنگ تحمیلی) صرفاً برای پناه گرفتن به شهر اهواز آمدند طولی نکشید که ملاشیه را از یک روستای با جمعیت محدود به بزرگ‌ترین روستا در مجاورت مرزهای اداری شهر اهواز که تمام نیازهای ساکنین خویش را از مادر شهر تأمین می‌کند مطرح کند. وضعیت حال حاضر منطقه که در اثر رها کردن آن در بدو شکل‌گیری و عدم ارائه طرحی مناسب برای توسعه‌ی آتی آن به وجود آمده، باعث تبدیل شدن آن به یکی از نقاط بحرانی برای مدیریت کلان شهر اهواز است.

۶-۱- شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی

نتایج عمومی به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که ۸۷ درصد افراد در رده‌ی سنی میانسال (۳۱-۶۰) قرار دارند. ۸۴ درصد این افراد متأهل، و از لحاظ جنسیتی مذکر بوده‌اند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های خانوار در ملاشیه ساکنین عرب تبار بوده و اکثر خانواده‌ها را مهاجرین تشکیل می‌دهند کل مهاجرینی که در روستای ملاشیه ساکن

شده‌اند، دارای منشأ درون استانی بوده و اغلب آنان از شهر خرمشهر، حومه‌های آن و از روستاهای مسیر جاده‌ی قدیم خرمشهر - اهواز می‌باشند. مسیر مذکور به دلیل نزدیکی به رود کارون و حاصلخیزی زمین‌های اطراف آن دارای روستاها و جمعیت فراوانی بوده که پتانسیل بالایی برای مهاجرت فرستی داشته و دارد. باقی‌مانده مهاجرین هم به ترتیب از شهرهای سوسنگرد، بستان و سایر شهرستان‌های استان نقل‌مکان کرده‌اند. (رجوع کنید به جدول شماره ۳)

جدول شماره ۳: مبدأ مهاجرین

شاخص	مبدأ مهاجرت		
	خرمشهر و حومه	سوسنگرد	بستان
درصد	۴۱/۶	۳۲/۲	۱۸/۱
			سایر شهرهای استان
			۸/۱

مأخذ: نگارندگان

بعد خانوار معمولاً بیش تر از میانگین‌های معمول است که بنا بر محاسبات پرسشنامه‌ای در حدود ۶/۳۲ نفر در واحد مسکونی است. سطح تحصیلات بیش تر افراد پایین است، به نحوی که تنها ۳/۱۲٪ افراد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، ۲۶/۴٪ دیپلم و بقیه افراد دارای مدارک زیر دیپلم هستند. ۱۴/۵٪ جمعیت هم اظهار داشتند، فاقد قدرت خواندن و نوشتن هستند چیزی که حائز اهمیت است اینست که این بی‌سوادی و کم سوادی بیش تر شامل قشر نوجوان و جوان می‌شود. وضعیت اشتغال در محدوده‌ی مورد مطالعه وضعیت مشابهی مانند تمام مناطق حاشیه‌نشین دیگر دارد. نرخ بالای بیکاری در نزد سرپرستان خانوار، همچنین اشتغال در بخش‌های آزاد که غالباً غیررسمی است موید این مطلب است. (جدول شماره ۴)

جدول شماره ۴: وضعیت اشتغال در ملاشیه

شاخص	شغل	
	دولتی	آزاد
درصد	۱۷/۳	۵۴/۲
		بیکار
		۲۸/۵

مأخذ: نگارندگان

۶-۲- شاخص‌های سکونت در منطقه مورد مطالعه

مسکن به دلیل کارکرد و تأثیر مستقیمی که بر روی افراد جامعه دارد همیشه به عنوان شاخص مهمی در بحث رفاه اجتماعی بوده است. کیفیت مسکن عامل مهمی در نحوه‌ی شکل‌گیری شخصیت یک فرد است (کی‌نیا، ۱۳۷۹، ۲۲۷).

جدول شماره ۵: شاخص‌های مهم کیفیت مسکن در ملاحیه

موضوع	موارد موجود	کل منطقه مورد نظر
نوع مسکن	ملکی	۸۴/۱
	استیجاری	۵/۹
	رهنی	۴/۸
	سازمانی	۰/۳
نوع مالکیت	شش دانگ	۴/۸
	قولنامه‌ای	۹۵/۲
تعداد اتاق خواب در هر واحد	۱،۲	۳۳/۳
	۳،۴	۵۲/۴
	+۴	۱۴/۳
جنس مصالح به کار رفته	بلوک سیمانی	۱۵/۱
	آجر و سیمان	۶۰/۲
	آجر و بلوک	۲۴/۵
	بتنی	۰/۳

مأخذ: نگارندگان

۶-۳- وضع موجود کاربری زمین و مقایسه‌ی سرانه‌ها

قطبی شدن شدید ساختار فضایی شهر در اثر سیاست‌های مدیریتی در امتیاز دادن به یک محیط در جذب امکانات و خدمات یا عدم توانایی یک محیط در جذب امکانات و خدمات باعث افزایش کیفیات نامطلوب فضایی شده و خلق فضاهای محروم شهری نه تنها باعث می‌شود مردم در آن احساس آرامش نکنند بلکه با ایجاد فضاهای متعارض محرک احساس اضطراب، عدم امنیت و به چالش کشیدن شخصیت شهری ساکنان است. معیاری که برای سنجش میزان

توزیع بهینه خدمات شهری استفاده می‌شود. استانداردهایی از جمله تراکم و سرانه انواع کاربری‌هاست که در ادامه ما به سنجش آن‌ها در محدوده‌ی مورد تحقیق می‌پردازیم.

جدول شماره ۶: بررسی تطبیقی سرانه‌ها موجود و استانداردها^۱

نوع کاربری	سرانه محاسبه شده در ملاشیه	سرانه استاندارد
مسکونی	۳۲/۴	۳۰-۵۰
اداری	۰/۲۱	۱/۵
تجاری	۲/۳	۳
فضای سبز	۰	۹
بهداشتی	۰/۲	۱-۲
آموزشی	۰/۹	۴/۴

مأخذ: نگارندگان

با نگاه مقایسه‌ای به داده‌های فوق‌الذکر، فاصله زیاد منطقه مورد مطالعه در کسب و داشتن خدمات قابل تأمل است. کاربری‌های بهداشتی، فضای سبز، آموزشی وضعیت بحرانی نسبت به سایر کاربری‌ها دارند. این اعداد و ارقام بیانگر این واقعیت است که محرومیت بالایی متوجه ساکنین به دلیل عدم نظارت کافی سازمان‌های مربوطه و نداشتن طرح‌های مدیریتی برای اداره بهینه این منطقه است. (رجوع کنید به جداول شماره ۵ و ۶)

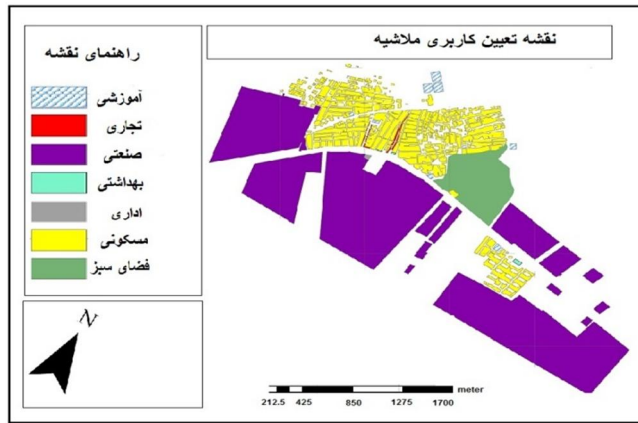
بررسی کیفیت ساخت در ملاشیه نشان می‌دهد بیشترین درصد منازل دارای کیفیت قابل قبول هستند و کمترین آن مربوط به ابنیه تخریبی با ۴/۴ درصد است.

جدول شماره ۷: کیفیت ابنیه در ملاشیه

کیفیت	تخریبی	مرمتی	قابل قبول	نوساز
درصد	۴/۴	۳۰/۲	۴۷/۴	۱۸

مأخذ: نگارندگان

^۲ سرانه‌های مذکور بر اساس کاربری‌های موجود در منطقه بوده و سایر کاربری‌های معمول برای مناطق مسکونی همچون فضای سبز، تفریحی، فرهنگی و غیره وجود خارجی ندارد.

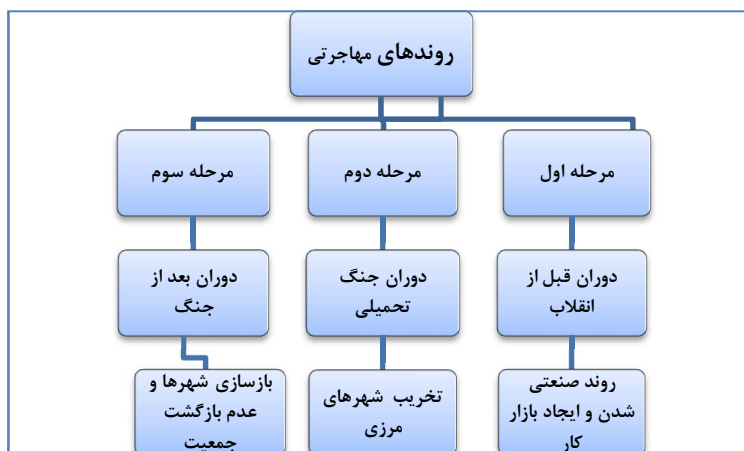


نقشه شماره ۲: موقعیت کاربری‌ها در منطقه ملاحیه مأخذ: نگارندگان

بافت اجتماعی در این جا بر اساس طایفه و قبیله است. بافت کنونی منطقه ابتدا با تبعیت کامل از مبحث قومی به صورت خوشه‌ای درآمدی بود، که با توسعه و هجوم جمعیت بیش تر این الگو کم‌رنگ تر شد و لکن هرگز از بین نرفت؛ به صورتی که امروزه می‌توان منطقه را به صورت جورچین‌های قومی و عشیره‌ای از هم تفکیک کرد. در مبحث ریشه‌یابی مهاجرت‌ها در ملاحیه باید به سه مرحله کاملاً متمایز اشاره داشت که وضع موجود در این کلان روستا به فرایند عملکرد این سه مرحله است: (نمودار شماره ۱)

■ مرحله اول: برهه زمانی قبل از انقلاب

در این دوره (دهه ۱۳۴۰) به دنبال پیامدهای اصلاحات ارضی و ورود مراکز و کارخانه‌های صنعتی به شهر اهواز و مکان‌یابی آن‌ها در غرب اهواز، روستایی کاملاً منزوی و خارج از محدوده شهر اهواز بنام ملاحیه یک، یا شاهد اولین تغییرات شدید جمعیتی بود؛ به طوری که در سال ۱۳۴۵ این روستا با ۹۴ خانوار و جمعیت ۵۱۳ نفر به ۲۷۶۰ نفر در سال ۱۳۵۵ نفر افزایش یافت. در این دوره رشد جمعیت شهر اهواز ۴/۸ درصد بوده است. (سازمان مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۸:۵) در این دوره توسعه کالبدی روستا کاملاً آرگانیک بوده و هیچ‌گونه نظمی در رشد آن مشاهده نمی‌گردد.



نمودار شماره ۱: روند مهاجرت‌ها به کلان شهر اهواز. مأخذ: نگارندگان

■ **مرحله دوم**: در این دوره (۶۷-۱۳۵۹) مهاجرت‌ها در ظرف زمانی جنگ تحمیلی رخ داده است. این مهاجرت‌ها به دلیل وقوع جنگ کاملاً اجباری بوده است. مکان‌گزینی مهاجرین به صورت کلی از دو عامل پایگاه اقتصادی و روابط اجتماعی تبعیت می‌کند.

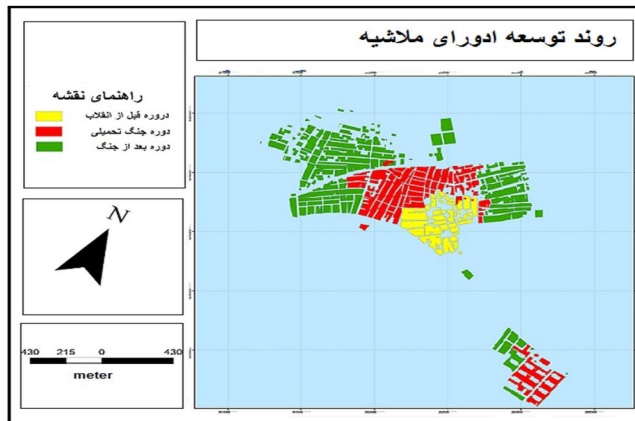
در روستای ملاشیه با در نظر گرفتن سطح اقتصادی ساکنین که تقریباً همگی در یک سطح می‌باشند، این مکان‌گزینی از روابط فامیلی و عشائری تبعیت می‌کند و افرادی که روابطی با ساکنین اولیه نداشتند، جدای از هسته اصلی روستا برای خود مسکن انتخاب می‌کردند و در این مرحله قسمت شمال ملاشیه دو یا مرحله تکوین یافت. در حال که استان خوزستان به دلیل جنگ در حال از دست دادن جمعیت خود بود ملاشیه به عنوان یکی از کانون‌های جذب جمعیت مورد توجه جنگ‌زدگان قرار گرفت. به طوری که طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ جمعیت ملاشیه با رشد سالانه ۱۴/۹ درصد به ۱۳۲۱۵ نفر افزایش یافت. (سازمان مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۸:۶)

با وجود این جمعیت بالا هنوز نحوه توسعه‌ی توسعه‌ی فیزیکی به صورت اندامگانی است، که باعث ایجاد بی‌نظمی مشکلات اجتماعی و عدم قابلیت جذب زیرساخت‌ها و امکانات توسعه‌ای برای روستا می‌شود. ناگفته نماند اولین خیابان‌کشی‌ها در این دوره مشاهده می‌شود که حاکی از رویکرد ساکنین به ایجاد یک نوع نظم کالبدی است که با توجه به سرعت بالای مهاجرت‌ها و اسکان مهاجرین نتوانست به اندازه مقتضی جوابگو باشد.

■ مرحله سوم، رشد ملاحیه

دوره‌ی سوم مربوط به سال‌های پس از جنگ تحمیلی است. با اتمام جنگ تحمیلی و کندی روند بازسازی شهرهای جنگ‌زده، مهاجرین تمایل چندانی به بازگشت به موطن اصلی خود نداشتند. طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ جمعیت ملاحیه با رشد متوسط سالانه ۳ درصد ملاحیه سه یا محله پشت سلویچ را به وجود آورد. جمعیت روستا نیز در این دوره به بیش از ۱۸ هزار نفر افزایش یافت.

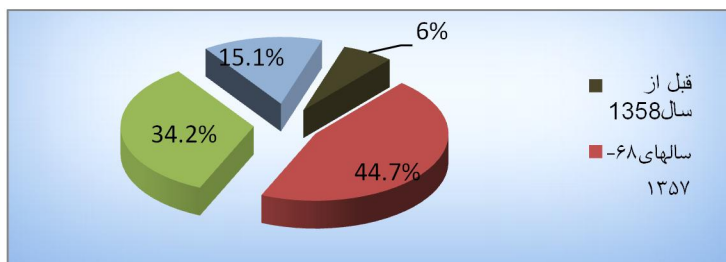
در این دوره مهاجرین ساکن در روستای ملاحیه علاوه بر این که به موطن خود بازنگشتند به گونه‌ای زمینه‌ی مهاجرتی اقوام و آشنایان خود را از مناطق آسیب‌دیده‌ی جنگ که دیگر رونق اقتصادی سابق را از دست داده بودند فراهم کردند. در دوره مذکور روستای نام‌برده روند نسبتاً منظمی از توسعه فیزیکی در مقایسه با دوره‌های قبل را تجربه کرد. این روستا به علت محصور بودن از جانب زمین‌های کشاورزی و مراکز عمده‌ی صنعتی امکان زیادی برای توسعه فیزیکی را نداشته، که همین امر موجبات بالا رفتن تراکم جمعیتی شده است. به علت نوع ساختار فیزیکی که فاقد هر گونه نظم است و عدم وجود سازمان یا ارگان مدیریتی برای پیش‌بینی نیازهای آتی روستا، کمبود زیرساخت‌ها و امکانات به شکل ملموسی خود را نمایان می‌کند. به گونه‌ای که جمعیت روستای ۲۵ هزار نفری برای رفع نیازهای خود مجبور می‌باشند که به شهر اهواز مراجعه نمایند.



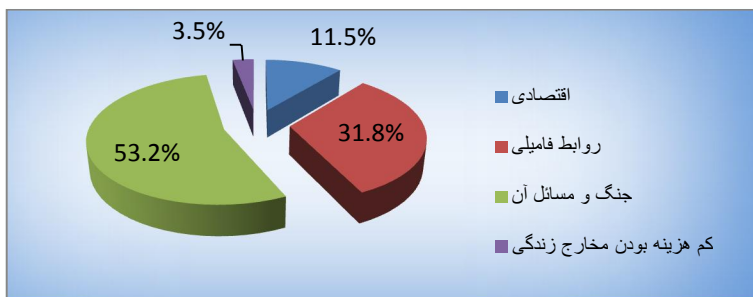
نقشه شماره ۳: توسعه ادواری ملاحیه مأخذ: نگارندگان

درصد مهاجرین در طی دوره‌های زمانی مختلف هستند؛ که بیش‌ترین درصد مربوط به دوران جنگ است و نزدیک به ۴۴ درصد از کل آمار را به خود اختصاص داده است.

مهاجرت‌های سال ۶۸ تا ۷۵ نیز درصد بالایی را نشان می‌دهد که همانا بیانگر ادامه‌دار بودن مهاجرت‌ها با وجود خاتمه‌ی جنگ است. نتایج به دست آمده از داده‌های پرسشنامه‌ای موید این مطلب است که تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی جنگ فراتر از محدوده‌ی زمانی دوران جنگ است. (رجوع کنید به نمودار شماره ۲)



نمودار شماره ۲: درصد مهاجرین در دوره‌های مختلف سرشماری

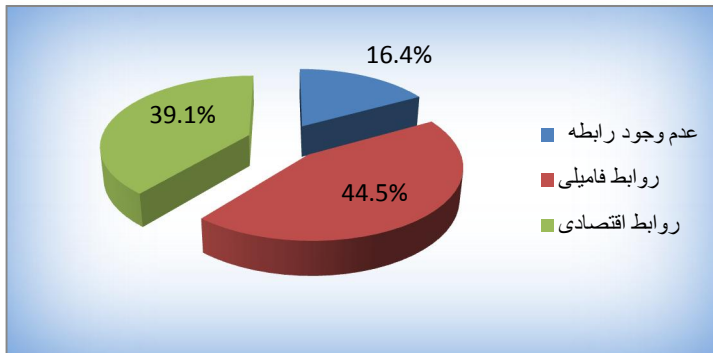


نمودار شماره ۳: دلایل مهاجرت مأخذ: نگارندگان

در نتایج به دست آمده مشاهده می‌شود از منظر ساکنین روستای ملاشیه ۵۳/۲ درصد علت اصلی مهاجرت خود را جنگ و مسائل مربوط به هان ذکر کرده‌اند و به ترتیب ۳۱/۸ درصد روابط فامیلی، ۱۱/۵ درصد مسائل اقتصادی و ۳/۵ درصد نیز کم هزینه بودن زندگی در محدوده‌ی مورد مطالعه نسبت به موطن خود نام برده‌اند. (رجوع کنید به نمودار شماره ۳)

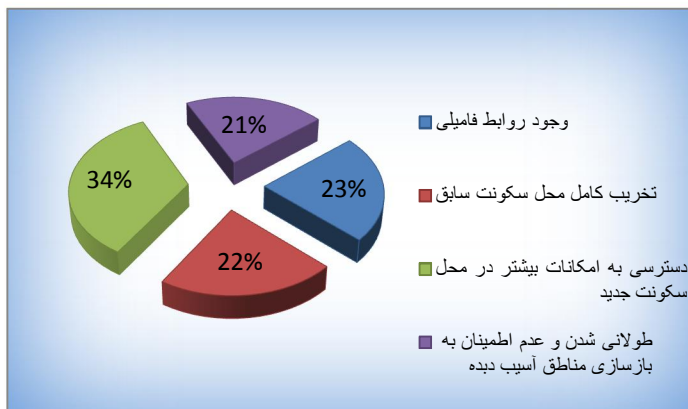
مهاجرین ساکن در روستا که اکنون غالب جمعیت را شکل می‌دهند، کاملاً با محل سکونت قبلی خود قطع رابطه نکرده‌اند. ۴۴/۵ درصد از پاسخگویان هنوز به روابط فامیلی در موطن خود پایبند هستند. ۳۹/۱ درصد از ساکنین از طریق روابط اقتصادی (با تاکید بر مشاغل

کشاورزی) با منطقه‌ی خود در ارتباط هستند و ۱۶/۴ درصد از ساکنین نیز رابطه‌ای ندارند. (رجوع کنید به نمودار شماره ۴)



نمودار شماره ۴: نوع رابطه مهاجرین با موطن خود مأخذ: نگارندگان

در مورد علت عدم بازگشت مهاجرین بعد از جنگ برخی از دلایل را در صفحات قبل که از آن‌ها به عنوان عوامل دافعه نام‌برده شده بود ذکر گردید. افزون بر آن‌ها باید از عوامل دیگری مانند دسترسی به امکانات بیش‌تر در شهر اهواز، به وجود آمدن حس تعلق و به وجود آمدن روابط اقتصادی و اجتماعی می‌توان اشاره کرد که درصد فراوانی آن‌ها را در نمودار شماره ۵ مشاهده می‌کنید.



نمودار شماره ۵: علت عدم بازگشت مهاجرین مأخذ: نگارندگان

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جنگ تحمیلی، علاوه بر تأثیراتی که در ابعاد کلان بر کلیت کشور داشته‌است، باعث به وجود آمدن تغییرات شدیدی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی مردم خوزستان، خاصه ساکنان مناطق جنوب و غرب آن که به طور مستقیم در معرض آسیب‌های جنگ واقع شدند، گردید. هسته‌ی اصلی روستای ملاشیه دارای قدمت طولانی است؛ اما با شروع فرایند مهاجرتی، رشد طبیعی خود را از دست داد و توسعه فیزیکی سریعی را تجربه کرد؛ بدین ترتیب که سیاست ایجاد قطب‌های صنعتی همراه با اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ مرحله‌ی اول این توسعه و رشد دفعی بود. جمعیت روستا در طول دورهٔ سرشماری ۵۵-۴۵ رشد ۱۳ درصدی را تجربه کرد و جمعیت آن از ۳۴۵ به ۲۷۶۰ نفر رسید.

مرحله‌ی دوم مربوط به جنگ تحمیلی به عنوان یک فرایند فراملی می‌شد که در طی آن روستای ملاشیه سریع‌ترین دوران رشد را به خود دید مهاجرت‌ها کاملاً اجباری، اغلب مهاجرین روستایی و با خصوصیات اجتماعی عشایری و البته بدون هیچ‌گونه نظارت و سازماندهی مدیریتی اقدام به سکونت کردند. جمعیت روستا در اواخر جنگ تحمیلی به تعداد ۱۳ هزار نفر رسید. در این دوره بیش‌ترین رشد فیزیکی را این منطقه تجربه کرد؛ که کاملاً ارگانیک و فاقد نظم است. مرحله سوم دوران بعد از جنگ است؛ در این دوره روند مهاجرتی با حفظ منحنی رشد خود به جریان رشد کالبدی روستای ملاشیه مداومت بخشیدند. ۳۲ درصد از مهاجرین واردشده در این دوره از اقوام و آشنایان قبلی هستند که در جریان جنگ به منطقه واردشده‌اند و به نحوی نقش تشویق‌کننده برای مهاجرت آنان داشتند.

مهاجرین ساکن در مرحله‌ی جنگ و بعد از آن عده‌ی کمی از آنان (۱۷٪) اظهار داشتند که با موطن قبلی خود رابطه ندارند و اکثریت آنان هنوز رابطه خود را با محل سکونت سابق به صورت روابط فامیلی و اقتصادی حفظ کرده‌اند. وجود روابط با محل سکونت سابق در اکثر مواقع به صورت عامل تشویق‌کننده برای مهاجرت سایر افراد عمل می‌کند. به طور کلی جنگ توانسته است به صورت یک عامل تأثیرگذار در آشنایی جمعیت‌های آسیب‌دیده از جنگ به نوع و شیوه‌ی زندگی شهری عمل کنند. عدم مدیریت شهری مناسب سبب تداوم و گسترش این مناطق شده است؛ به نحوی که با اتمام جنگ نه تنها از جمعیت مهاجرین به شهر اهواز کاسته نشد، بلکه این ساکنین به صورت مشوق باعث مهاجرت اقوام و آشنایان خود گردیده‌اند که در نهایت عاملی برای هر چه گسترده‌تر شدن مناطق حاشیه‌نشین اهواز شد.

نبود برنامه‌های مدون (طرح جامع و هادی) و عدم هدف‌گذاری مسؤولان برای برگرداندن مهاجرین بعد از اتمام جنگ به مناطق مسکونی سابق باعث شد که این افراد هیچ‌گونه رغبتی به برگشت به موطن خود نداشته باشند. تخصیص وام‌ها و تسهیلات مالی بدون کارشناسی و نظارت کافی باعث به‌کارگیری این تسهیلات نه در عمران خرابی‌های حاصل از جنگ که به دائمی کردن سکونت این افراد در شهر اهواز و این روستا گردید.

وضعیت موجود این روستا به دلیل عدم برنامه و موافقت دیرهنگام مدیران شهری و همچنین سایر ارگان‌های مسئول در پذیرش این روستا به عنوان جزئی از محدوده قانونی شهر با وجود نزدیکی که روستا با شهر اهواز باعث عدم نظارت بر ساخت‌وساز، عدم برآورده کردن سرانه‌های مورد نیاز ساکنین و گسترش بیش از پیش حاشیه‌نشینی در این روستا شد.

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در ذیل برخی از پیشنهادهایی که لزوم اجرای آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد عبارت‌اند از:

- شناسایی کانون‌های مهاجر فرست و تدوین برنامه‌های لازم برای جلوگیری از مهاجرت آنان
- ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توانمندسازی و بهبود وضعیت اقتصادی
- ارتقاء سرانه‌های شهری
- برنامه‌ریزی کوتاه مدت و درازمدت جهت ارتقاء فرهنگ ساکنان و محیط‌زیست شهری
- توجه ویژه و خاص به مبحث بی‌سوادی در بین ساکنان که شرایط بحرانی را طبق داده‌های آماری نشان می‌دهد.
- توانمندسازی و ایجاد مراکز و کانون‌های ویژه برای گذران وقت و تفریحات سالم نوجوانانی که در مناطق حاشیه‌نشین احتمال انحراف آنان بالاست.
- نظارت دقیق بر ساخت و سازها

منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیم زاده، ع و دیگران. ۱۳۸۳. حاشیه‌نشینی، ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن. مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان، صص ۱۳۵-۱۲۱.
- ۲- اعتماد، گ. ۱۳۸۰. ویژگی‌های کالبدی محله‌های حاشیه‌نشین. مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، ۱۷-۳.
- ۳- انصاری، ع. ۱۳۶۹. ایرانیان مهاجر در ایالات متحده - پژوهشی در حاشیه‌نشینی دوگانه. ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، تهران: نشر آگه.
- ۴- پارسا پزوه، س. ۱۳۸۱. نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی مطالعه موردی: اسلام آباد کرج. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۷۸-۱۶۱.
- ۵- تقوی، ن. ۱۳۷۸. جامعه‌شناسی روستایی. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۶- جوان، ج، سیدی، م. ۱۳۸۴. کوتاه‌نگرشی بر ساخت و سازهای غیرمجاز در حاشیه شهر مشهد. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- ۷- حسین زاده دلیر، ک. ۱۳۷۰. حاشیه‌نشینی در جستجوی معنی و مفهوم. هفتمین کنفرانس جغرافی‌دانان ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- خباز بهشتی، ز. ۱۳۸۱. مهاجرت؛ بررسی مشکلات مهاجران در جهان. انتشارات آشیانه کتاب، تهران.
- ۹- ربانی، ر و دیگران. ۱۳۸۵. بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز. فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۴، صص ۸۹-۱۱۴.
- ۱۰- _____، وارثی، ح، طاهری، ز. ۱۳۸۸. تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان. جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، صص ۱۱۵-۹۳.
- ۱۱- رهنما، م، توانگر، م. ۱۳۸۷. بررسی تطبیقی حاشیه‌نشینی در شهرهای سبزوار، نیشابور و تربت‌حیدریه، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۱، ۱۰۱-۸۳.
- ۱۲- زاهدانی، س. ۱۳۸۰. حاشیه‌نشینی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۱۳- زنجانی، ح. ۱۳۸۰. مهاجرت، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۴- زنگی آبادی، ع. مبارکی، ا. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل آباد). مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال بیست و سه، شماره ۱، ۸۵-۶۷.

- ۱۵- سازمان مسکن و شهرسازی. ۱۳۸۸. طرح مطالعات حاشیه‌نشینی در شهر اهواز، بخش ملاشیه. منتشر نشده.
- ۱۶- ستوده، ه. ۱۳۸۳. آسیب‌شناسی اجتماعی. انتشارات اوای نور، تهران.
- ۱۷- سیف‌الدینی، ف. ۱۳۸۳. چارچوب برنامه ریزی روش گرا- ارتقاء سکونتگاه‌های غیررسمی شهری (مورد: مطالعه بندرعباس). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۹، پاییز صص ۴۷-۱۳۹.
- ۱۸- شاطریان، م. اشنویی، ا. ۱۳۹۲. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کاشان نمونه موردی: محله غربت‌ها و پمپ رعیتی. فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص ۲۱۹-۲۰۱.
- ۱۹- شکوئی، ح. ۱۳۶۵. جغرافیای اجتماعی شهرها. انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۲۷ ص.
- ۲۰- _____ ۱۳۸۰. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. انتشارات سمت، تهران.
- ۲۱- شیخی، م. ۱۳۶۹. مبانی و مفاهیم جامعه‌شناسی شهری. شرکت سهامی انتشار.
- ۲۲- صابری‌فر، ر. ۱۳۸۸. بررسی تحلیلی حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند. مطالعه موردی منطقه کارگران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۲، ۵۲-۲۹.
- ۲۳- عابدینی در کوش، س. ۱۳۶۴. درآمدی بر اقتصاد شهری. انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۲۴- علاء‌الدینی، پ. امامی، ی. ۱۳۸۴. جهانی شدن، مهاجرت و فقر در ایران. سال پنجم، شماره ۱۸.
- ۲۵- فیندلی، س. ۱۳۷۲. برنامه ریزی مهاجرت‌های داخلی. ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده. انتشارات نوید، تهران.
- ۲۶- قرخلو، م. شریفی، ع. ۱۳۸۳. پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی اقتصادی حاشیه‌نشینی (نمونه موردی محله عین ۲ اهواز). مجله تحقیقات جغرافیایی، بهار، صص ۱۰۵-۸۷.
- ۲۷- کارگر، ب. ۱۳۸۶. حاشیه‌نشینی و امنیت شهری. فصلنامه جغرافیا، شماره ۱۵، پاییز و زمستان، صص ۱۵۳-۱۳۹.
- ۲۸- کی‌نیا، م. ۱۳۸۲. مبانی جرم‌شناسی، مجموعه سه جلدی. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۹- مشهدی زاده دهقانی، ن. ۱۳۸۳. تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ پنجم.

۳۱- موحد، ع. تقی زاده، ا. ۱۳۸۸. بررسی جهت‌های توسعه مناطق حاشیه‌نشین شهر اهواز با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۲۸، ۷۰-۱۵.

۳۱- نقدی، ا. صادقی، ر. ۱۳۸۵. حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری با تأکید بر شهر همدان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، بهار. صص ۲۳۴-۲۱۳.

32- Costello, M .1987. "Slums and Squatter Areas as Enterpots for Rural-Urban migrants in a Less Developed Society". Social forces, vol. 66, No.2.

33- Pfohl, S.J. 1985. Images of Deviance and Social Control, New York: McGraw- Hill, Inc.